

بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های شخصیت و سبک دل‌بستگی همسران بی‌وفا، خیانت دیده و عادی

لیلا ترابیان*، فریده عامری** و روشنگر خدابخش***

چکیده

هدف از این پژوهش مقایسه ویژگی‌های شخصیت و سبک دل‌بستگی زنان خیانت دیده، مردان بی‌وفا در مقایسه با مردان و زنان (عادی) بدون چنین تجاربی بود. بدین منظور ۳۹۷ نفر (۲۴۷ زن و ۱۵۰ مرد متأهل) برای مطالعه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده از پرسشنامه‌های شخصیت نئو فرم کوتاه (۶۰ سؤالی) و سبک دل‌بستگی بزرگسالان استفاده شد. داده‌های به دست آمده از طریق روش تحلیل واریانس یک راهه، آزمون تی مستقل بررسی شد. نتایج پژوهش نشان داد که زنان خیانت دیده (دادگاه) در روان رنجوری و زنان خیانت دیده (مراکز مشاوره) در وجدان‌گرایی تفاوت معناداری نسبت به زنان عادی نشان داده‌اند، اضطراب و اجتناب دل‌بستگی زنان خیانت دیده دادگاه با زنان مراکز مشاوره تفاوت معناداری نشان داده است. مردان بی‌وفا و مردان عادی نیز تفاوت معناداری در روان رنجوری، وجدان‌گرایی، اضطراب و اجتناب دل‌بستگی نشان داده‌اند.

کلید واژه‌ها

شخصیت؛ سبک دل‌بستگی؛ همسران خیانت دیده؛ همسران غیروفادار؛ همسران عادی

* نویسنده مسئول: کارشناس ارشد روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء (س)

torabian@yahoo. Com

** استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء (س)

*** استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء (س)

تاریخ پذیرش: ۹۱/۷/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۰/۷/۲۵

مقدمه

اولین نقش و وظیفهٔ هنجارهای اخلاقی یک جامعه تنظیم روابط زن و مرد بر پایهٔ اصول و منطق است، زیباترین و انسانی‌ترین شکل این قانونمندی ازدواج است که با یک زیربنای بیولوژیکی و زیستی شکل گرفته و خانواده را به وجود می‌آورد. خانواده پناهگاه انسان اجتماعی است، مأمنی که به دلخواه برگزیده می‌شود تا جایی برای سکون و آرامش باشد. وجوه منفی پدید آمده از درون این نهاد است که آثار مخرب آن در ابعاد اجتماعی، زیاد است و ناهنجاری‌های اجتماعی بسیاری را ایجاد می‌کند. با وجود این متأسفانه شاهد افزایش بیش از انتظار نرخ از هم پاشیدگی خانواده‌ها هستیم. خیانت و بی‌وفایی به همسر دلیل عمدهٔ طلاق و فروپاشی خانواده‌ها است (باس و شاکلفورد^۱، ۱۹۹۷). خیانت مشکل عمده‌ای برای بسیاری از زوجها است و برآورد شده که ۲۶-۷۰٪ زنان و ۳۳-۷۷٪ مردان متأهل در طی زندگی اقدام به خیانت می‌کنند (پلات^۲ و همکاران، ۲۰۰۸). خیانت^۳ مجموعه‌ای از رفتارهایی در نظر گرفته می‌شود که به وسیله آن، یک همسر از ارتباط معمول با همسر خود تخطی می‌کند و اقدام به تعامل با فرد دیگری غیر از همسر می‌کند و در حقیقت این نقض تعهد زناشویی به حسادت و رقابت منجر می‌شود. بنابراین، خیانت متمایز از رفتاری است که صرفاً شامل ارتباط با فرد دیگری غیر از همسر است و ظاهراً ناقض ارتباط منحصر با همسر نیست (درايگوتاس^۴ و سافستروم، ۲۰۰۰ به نقل از دونوان^۵، ۲۰۱۰).

از آنجایی که تفاوت‌های فردی و ویژگی‌های شخصیت یکی از پدیده‌های مسلم علم روان‌شناسی است به نظر می‌رسد، شخصیت، پیش‌بین مهمی از تأثیر تفاوت‌های فردی در رفتار جنسی و روابط زناشویی باشد. تفاوت‌های فردی در ویژگی‌های شخصیت می‌تواند در کیفیت روابط زناشویی و شکل‌گیری روابط فرازناشویی تأثیرگذار باشد. به طوری که روان‌رنجوری در مدل ۵ عاملی، با تداوم روابط و رضایت زناشویی ارتباط معکوس نشان داده است (باردیج^۶ و همکاران، ۲۰۰۷).

بر طبق دیدگاه طرفداران نظریهٔ روابط فردی، اشخاصی که در ازدواج به یکدیگر

-
1. Shakelford
 2. Plate
 3. Infidelity
 4. Drigotas
 5. Donovan
 6. Bourdage

می‌پیوندند، هر کدام میراث روانی یکتا و جداگانه‌ای را وارد رابطه زناشویی می‌کنند. هر کدام دارای تاریخچه شخصی، یک شخصیت بی‌همتا و مجموعه‌ای از افراد درونی کرده مخفی هستند که آن‌ها را در تمامی تبادلاتی دخالت می‌دهند که متعاقباً با یکدیگر خواهند داشت (برک^۱، ۲۰۰۱، به نقل از سیدمحمدی، ۱۳۸۴).

از دید بسیاری از صاحب‌نظران ویژگی‌های شخصیت و سبک دلبستگی و مشکلات دوران کودکی با مراقبان اصلی، در سایر روابط صمیمانه دوران بزرگسالی نیز نمود می‌یابد. تعارض‌های درونی حل نشده خانواده مبدأ، کماکان در روابط صمیمی آتی با همسر برون‌ریزی یا تکرار می‌شود (گلدنبرگ^۲، ۲۰۰۰، به نقل از سیدمحمدی، ۱۳۸۹). به نظر می‌رسد افراد با وسواس‌های عشقی و روابط فرازناشویی احساس از دست دادن چیزی را در دوران کودکی داشته‌اند که هرگز نتوانسته‌اند برای آن جایگزینی پیدا کنند (میشل، ۲۰۰۰). همان‌طور که ذکر شد کیفیت و الگوی دلبستگی در روابط عاشقانه بزرگسالی ممکن است، شبیه الگوی دلبستگی فرد در رابطه با والدین خود باشد. به این دلیل دلبستگی‌های دوران کودکی شخص بر روابط عاشقانه بزرگسالی او تأثیر می‌گذارد (پری، ۱۹۹۱، ۱۹۹۴؛ جانسون و همکاران، ۲۰۰۱؛ فینی و همکاران، ۱۹۶۶؛ اینورث ۱۹۹۱ به نقل از کاتزاندرو، ۲۰۰۹، ص ۱۷).

نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که افراد با سبک دلبستگی ایمن نگرش سخت‌گیرانه‌تری نسبت به خیانت دارند. در حالی که افراد با سبک دلبستگی اجتنابی و اضطرابی سخت‌گیری کمتری در این زمینه دارند (مک‌آنولتی^۳ و همکاران، ۲۰۰۸، دونووان، ۲۰۱۰، مک مورن^۴، ۲۰۰۹). افراد با دلبستگی ایمن، تعارض کمتر، رضایت و ثبات بیشتر و دوره طولانی‌تر در روابط عاشقانه خود تجربه می‌کنند، و افراد با سبک دلبستگی ناایمن، تعارض بیشتر، رضایت و ثبات کمتر، و دوره‌های کوتاه‌تری در روابط عاشقانه خود تجربه می‌کنند (خوشخرام، ۱۳۹۰). در مطالعه بوکام^۵ و همکاران (۲۰۰۵) دریافتند که، مردان با سبک‌های دلبستگی دوسوگرا^۵ بیشتر

-
1. Berk
 2. Goldenberg
 3. McAnulty
 4. Mc Murrin
 5. Allen & Baucom
 6. dismissive attachment

مستعد درگیر شدن در خیانت هستند. اگان و انگوس^۱ (۲۰۰۴) دیجسترا و باردیس^۲ (۲۰۰۸) در بررسی زنان و مردانی که مرتکب خیانت به همسر شده بودند به این نتیجه رسیدند که شخصیت و رفتار پیش‌بین مهمی در خیانت جنسی است و شخصیت مردان و زنان بی‌وفا از زنان و مردان وفادار متفاوت است. مردان بی‌وفا سطح بالاتری از برون‌گرایی^۳ و سطح پایین‌تری از وجدان‌گرایی^۴، روان‌رنجوری^۵ و توافق‌پذیری^۶ نشان دادند. در مقابل زنان بی‌وفا سطح پایین‌تری از برون‌گرایی، وجدان، خوشایندی و سطح بالاتری از روان‌رنجوری نشان دادند.

نتایج پژوهش‌های مارک^۷ و همکاران (۲۰۱۱) نشان داده است، مردان و زنانی که نمره کمتری در کنترل تکانه کسب و میزان بازداری کمتری گزارش کرده‌اند به احتمال بیشتری درگیر روابط فرازنشویی می‌شوند. همچنین افرادی که تمایل بیشتری به خیانت دارند میزان هیجان‌ات منفی بیشتری گزارش داده‌اند. باس و شاکلفورد (۲۰۰۳) به بررسی آمادگی به خیانت در سال‌های اولیه ازدواج اقدام کردند. آن‌ها مطالعه خود را در میان ۱۰۷ زوج متأهل انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که عوامل پیش‌بین خیانت به همسر عبارت هستند:

۱- عوامل شخصیت مانند صفات خودشیفته و وجدان‌گرایی پایین، ۲- زمینه‌های ارتباطی شامل تعارض‌های زناشویی، رضایت جنسی. نتایج کار آن‌ها نشان داد که میزان پایین وجدان‌گرایی، خودشیفتگی، زمینه ارتباطی ناخوشایند مانند فقدان رضایت جنسی و نارضایتی زناشویی با خیانت رابطه معناداری نشان می‌دهد.

به نظر می‌رسد، افراد با ویژگی‌های شخصیتی و سبک دلبستگی منحصر به فرد خود در برابر روابط فرازنشویی و بی‌وفایی به شکل متفاوتی واکنش نشان می‌دهند. بنابراین، هدف از اجرای این پژوهش، مقایسه ویژگی‌های شخصیت و سبک دلبستگی، در میان دو گروه از مردان (عادی و بی‌وفا) همچنین سه گروه از زنان (مراجعه کننده به دادگاه و مراکز مشاوره و زنان

-
1. Egan & Angus
 2. Barelds & Dijestra
 3. Extraversion
 4. Conscientiousness
 5. Neurotism
 6. Agreeableness
 7. Mark

عادی) بود.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- میزان روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌گرایی، سازگاری و وجدان‌گرایی زنان خیانت دیده (دادگاه) زنان خیانت دیده مراکز (مشاوره) و زنان عادی (بدون تجربه خیانت) متفاوت است.
- ۲- میزان ایمنی، اضطراب و اجتناب دلبستگی زنان مراجعه کننده به دادگاه، مراجعه کننده به مراکز مشاوره و زنان عادی متفاوت است.
- ۳- میزان برون‌گرایی، روان‌رنجوری، تجربه‌گرایی، سازگاری و وجدان‌گرایی مردان بی‌وفا نسبت به مردان عادی متفاوت است.
- ۴- میزان ایمنی، اضطراب، اجتناب دلبستگی در مردان بی‌وفا نسبت به مردان عادی متفاوت است.

روش

پژوهش حاضر علی‌مقایسه‌ای بود. جامعه آماری این پژوهش زنان خیانت دیده و مردان بی‌وفا، متأهل (۲۰-۴۰ ساله) ساکن شهر تهران بودند. گروه نمونه شامل ۸۰ نفر از زنانی که به دلیل خیانت همسرشان به دادگاه برای تقاضای طلاق مراجعه کرده‌اند، ۸۰ نفر از زنانی که به دلیل خیانت همسرشان به مراکز مشاوره مراجعه کرده‌اند و ۸۷ نفر از زنان عادی بدون داشتن چنین تجربه‌ای بودند، همچنین گروه نمونه شامل ۷۰ نفر از مردانی که اقدام به بی‌وفایی/خیانت کرده‌اند و ۸۰ مرد عادی بود. روش نمونه‌گیری پژوهش، نمونه‌گیری به شیوه در دسترس است. ابتدا ۳ دادگاه خانواده انتخاب شد، و پرسشنامه‌ها در اختیار افرادی قرار گرفت که به دلیل خیانت همسرشان به دادگاه‌ها مراجعه کرده بودند، همچنین تعدادی از پرسشنامه‌ها در اختیار افرادی قرار گرفت که به دلیل خیانت همسرشان (به خانه‌های سلامت و مراکز مشاوره) مراجعه کرده‌اند. از آنجایی که یکی از مفروضه‌های این پژوهش تفاوت ویژگی‌های شخصیت و سبک دلبستگی بین سه گروه زنان بود، هر سه گروه بررسی شد. پیش‌بینی و گمانه‌زنی‌های اولیه برای تفکیک دو گروه زنان خیانت دیده دادگاه و مراکز مشاوره این بوده است که، زنان مراجعه کننده به دادگاه سبک دلبستگی اجتنابی و روان‌رنجوری بالاتر نشان می‌دهند، از طرفی زنان

مراجعه کننده به مراکز مشاوره سبک دلبستگی اضطرابی بالاتری نشان می‌دهند. استدلال اولیه چنین بوده است که، هر دو گروه به دلیل تفاوت‌های شخصیتی و سبک دلبستگی در پی آشکار شدن خیانت همسر، واکنش‌های متفاوتی (مراجعه به دادگاه یا مراجعه به مراکز مشاوره) نشان می‌دهند. به همین دلیل از هر دو گروه اطلاعاتی برای مقایسه جمع‌آوری شد.

از آنجایی که مردان اقدام کننده به بی‌وفایی (به دلیل نگرانی از حضور همسر، مسائل قانونی) حاضر به همکاری در دادگاه نبودند، به نظر می‌رسید که منطقی‌ترین شیوه جمع‌آوری اطلاعات از مردان بی‌وفا، استفاده از مکان‌های عمومی و موقعیت‌های ایمن و بدون احساس خطر (برای اقدام کنندگان به بی‌وفایی) باشد. برای اجرای فرایند نمونه‌گیری ابتدا دو بخش خصوصی و دولتی مد نظر قرار گرفته شد و سپس ۱۰ مرکز دولتی و خصوصی به شیوه در دسترس انتخاب شدند. به دلیل فقدان حمایت مراکز دولتی و خصوصی امکان نمونه‌گیری تصادفی کاملاً غیر ممکن بود و حضور در تمامی این مراکز به وسیله یک واسطه انجام می‌شد، واسطه که، فردی از میان همکاران همان مراکز بود، اطمینان کافی برای فقدان سوء استفاده از اطلاعات را به تمام همکاران اعلام می‌کرد، این مسأله به همکاری بسیار بالای گروه نمونه منجر شد. از آنجایی که امکان شناسایی و تمیز افراد بی‌وفا از افراد عادی امکان‌پذیر نبود، در نهایت پرسشنامه‌ها به شیوه در دسترس در اختیار کارمندان (مذکر) قرار گرفت. با توجه به پاسخ‌های افراد به پرسشنامه محقق ساخته خیانت، افراد در دو گروه بی‌وفا و عادی مشخص شدند. بدین شکل که افراد بر اساس پاسخ به پرسشنامه محقق ساخته، در صورتی که قبلاً اقدام به بی‌وفایی کرده بودند، در گروه بی‌وفا و در صورتی که هیچ یک از موارد پرسشنامه بیان‌کننده اقدام به بی‌وفایی نبود، به عنوان گروه عادی در نظر گرفته می‌شدند.

ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات:

۱. پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی^۱ (فرم کوتاه ۶۰ سؤالی).
۲. پرسشنامه دلبستگی بزرگسال^۲.
۳. پرسشنامه محقق ساخته خیانت^۳.

1. NEO-Personality Inventory- Revised (NEO-PI- R)
 2. Revised Adult Attachment Scale (RAAS)
 3. Infidelity Inventory

پرسشنامه شخصیت (NEO): این پرسشنامه را مک‌گری و کاستا در اصل برای جمعیت بهنجار تهیه کردند. و در طی دهه گذشته بیشترین استفاده را در پژوهش بالینی داشته است. نسخه اصلی آن را در سال ۱۹۹۲، مک‌گری و کاستا برای سنجش الگوی پنج‌عاملی شخصیت (روان‌رنجوری، برون‌گرایی، گشودگی به تجربه، توافق‌پذیری و باوجدان بودن) تنظیم کردند. ضریب آلفایی کروناک که آن‌ها گزارش کرده‌اند ۰/۷۴ تا ۰/۸۹ با میانگین ۰/۸۱ متغیر بوده است.

مقیاس دلبستگی بزرگسالان: این مقیاس را ابتدا در سال ۱۹۹۰، کالینز و رید^۱ تهیه کردند و در سال ۱۹۹۶، بازنگری شد. مبنای نظری آن، نظریه دلبستگی است؛ مقیاس دلبستگی بزرگسالان، که چگونگی ارزیابی فرد از مهارت‌های ارتباطی و سبک رابطه صمیمانه او را بررسی می‌کند، ۱۸ عبارت دارد که در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای، موافقت یا مخالفت پاسخ دهندگان را می‌سنجد. ضریب پایایی بازآزمایی این آزمون برای هریک از سه مقیاس نزدیک، وابستگی، اضطراب به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۷۱، ۰/۵۲ گزارش شده است. کالینز و رید، (۱۹۹۰) نشان دادند که زیر مقیاس‌های نزدیک بودن C، وابستگی D و اضطراب A در فاصله زمانی ۲ ماه و حتی ۸ ماه پایدار ماندند. پرسشنامه محقق ساخته خیانت شامل ۹ سؤال است. تنظیم پاسخ‌ها به صورت دو گزینه‌ای (بله - خیر) به بررسی احتمال خیانت توسط فرد یا همسر او اقدام کرده است. ضریب آلفای (پایایی) به دست آمده ۰/۷۸ است.

روش‌های آماری: فرضیه‌های پژوهش با استفاده از آزمون تحلیل واریانس یک راهه و آزمون t برای گروه‌های مستقل، تجزیه و تحلیل آماری شدند.

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

فرضیه: میزان روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌گرایی، سازگاری و وجدان‌گرایی زنان خیانت دیده (دادگاه) زنان خیانت دیده مراکز (مشاوره) و زنان عادی (بدون تجربه خیانت) متفاوت است.

به‌منظور مقایسه ویژگی‌های شخصیت و سبک دلبستگی سه گروه زنان از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد.

جدول ۱: تحلیل واریانس یک راهه، مقایسه ویژگی‌های شخصیت میان زنان سه گروه

سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	
۰/۰۱۶	۴/۲۱۵	۹۰/۹۱۱	۲	۱۸۱/۸۲	بین گروهی
		۲۱/۵۶۹	۲۲۸	۴۹۱۷/۷۴	روان‌رنجوری درون‌گروهی
			۲۳۰	۵۰۹۹/۵۶	کل
۰/۰۰۲	۶/۲۵۲	۷۴/۸۵	۲	۱۴۹/۷۱۶	بین گروهی
		۱۱/۷۴	۲۳۰	۲۶۳۸/۹۱	وجدان‌گرایی درون‌گروهی
			۲۳۲	۲۷۸۸/۳۲۶	کل

نتایج حاصل از جدول ۱ نشان می‌دهد، میزان روان‌رنجوری در میان سه گروه زنان تفاوت معناداری نشان می‌دهد. این تفاوت در سطح $P < 0/05$ معنادار است. همچنین میزان وجدان‌گرایی در میان سه گروه زنان تفاوت معناداری نشان می‌دهد، این تفاوت در سطح $P < 0/01$ معنادار است.

فرضیه: میزان ایمنی، اضطراب و اجتناب دلبستگی زنان مراجعه‌کننده به دادگاه، مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و زنان عادی متفاوت است.
به منظور بررسی این فرضیه از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد.

جدول ۲: تحلیل واریانس مقایسه سبک‌های دلبستگی میان زنان سه گروه

سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	
۰/۰۰۶	۵/۳۰۲	۳۰/۷۶۲	۲	۶۱/۵۲	بین گروهی
		۵/۸۰۲	۲۳۰	۱۳۳۴/۵۵	وابستگی درون‌گروهی
			۲۳۲	۱۳۹۶/۰۷	کل دلبستگی
۰/۰۱۴	۴/۳۸۰	۳۲/۸۵۸	۲	۶۵/۷۱	بین گروهی
		۷/۵۰۲	۲۳۲	۱۷۴۰/۴۷	اضطراب دلبستگی درون‌گروهی
			۲۳۴	۱۸۰۶/۱۹	کل

نتایج حاصل از جدول ۲ نشان می‌دهد:

- میزان اضطراب و وابستگی دلبستگی بین سه گروه تفاوت معنادار نشان می‌دهد. این

تفاوت در سطح $P < 0/01$ معنادار است. میزان اجتناب دلبستگی در میان زنان سه گروه تفاوت معناداری نشان می‌دهد، که این تفاوت در سطح $P < 0/05$ معنادار است. برای تحلیل بهتر نتایج، خلاصه آزمون تعقیبی شفه در جدول ذیل گزارش شده است.

جدول ۳: آزمون تعقیبی شفه

متغیرها	I	J	تفاوت میانگین‌ها	خطای استاندارد	سطح معناداری
	زنان دادگاه	زنان عادی	۲/۰۸*	۰/۷۴	۰/۰۲
		زنان مراکز مشاوره	۰/۶۴	۰/۷۶	۰/۷۰۶
	زنان عادی	زنان دادگاه	-۲/۸۰*	۰/۷۴	۰/۰۲
روان رنجوری		زنان مراکز مشاوره	-۱/۴۴	۰/۷۳	۰/۱۵
	زنان مراکز مشاوره	زنان دادگاه	-۰/۶۴	۰/۷۶	۰/۷۰
		زنان عادی	۱/۴۴	۰/۷۳	۰/۱۵
	زنان دادگاه	زنان عادی	۰/۶۷	۰/۵۳	۰/۴۵
		زنان مراکز مشاوره	-۱/۲۴	۰/۵۶	۰/۰۸
	زنان عادی	زنان دادگاه	-۰/۶۷	۰/۵۳	۰/۴۵
وجدان گرایی		زنان مراکز مشاوره	-۱/۹۲*	۰/۵۳	۰/۰۰۲
	زنان مراکز مشاوره	زنان دادگاه	۱/۲۴	۰/۵۶	۰/۰۸۸
		زنان عادی	۱/۹۲*	۰/۵۳	۰/۰۰۲
	زنان دادگاه	زنان عادی	-۰/۷۶	۰/۳۸	۰/۱۴۱
		زنان مراکز مشاوره	-۱/۲۹*	۰/۳۹	۰/۰۰۶
	زنان عادی	زنان دادگاه	۰/۷۶	۰/۳۸	۰/۱۴۱
وابستگی دلبستگی		زنان مراکز مشاوره	-۰/۵۲	۰/۳۸	۰/۳۸
	زنان مراکز مشاوره	زنان دادگاه	۱/۲۹*	۰/۳۹	۰/۰۰۶
		زنان عادی	۰/۵۲	۰/۳۸	۰/۳۸
	زنان دادگاه	زنان عادی	۰/۲۸	۰/۴۳	۰/۸۰
		زنان مراکز مشاوره	-۱/۲۶*	۰/۴۵	۰/۰۲۱
اضطراب دلبستگی	زنان عادی	زنان دادگاه	۰/۲۸	۰/۴۳	۰/۸۰
		زنان مراکز مشاوره	۰/۹۸	۰/۴۳	۰/۰۷
	زنان مراکز مشاوره	زنان دادگاه	۱/۲۶*	۰/۴۵	۰/۰۲
		زنان عادی	۰/۹۸	۰/۴۳	۰/۰۷۶

نتایج جدول ۳ آزمون شفه

زنان خیانت دیده دادگاه روان رنجوری بالاتری نسبت به زنان عادی نشان می‌دهند.

همچنین زنان مراکز مشاوره وجدان‌گرایی بالاتری نسبت به زنان عادی نشان می‌دهند. زنان مراجعه‌کننده به دادگاه نسبت به زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره اضطراب و وابستگی دلبستگی کمتری نشان داده‌اند. میزان اجتناب دلبستگی در میان زنان مراجعه‌کننده به دادگاه بیشتر از زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره است.

فرضیه: میزان برون‌گرایی، روان رنجوری، تجربه‌گرایی، سازگاری و وجدان‌گرایی مردان بی‌وفا نسبت به مردان عادی متفاوت است.

برای بررسی این فرضیه از آزمون تی مستقل استفاده شد.

جدول ۴: مقایسه ویژگی‌های شخصیت در میان دو گروه مردان

متغیرها	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد نمونه
روان رنجوری	مردان بی‌وفا	۶۸	۲۱/۵۲	۵/۱۹	۰/۶۲
	مردان عادی	۸۰	۱۹/۷۲	۳/۴۹	۰/۳۸
وجدان‌گرایی	مردان بی‌وفا	۶۸	۲۸/۸۵	۳/۸۵	۰/۴۶
	مردان عادی	۸۰	۳۰/۹۲	۲/۲۶	۰/۲۴
وابستگی دلبستگی	مردان بی‌وفا	۶۸	۱۱/۸۵	۲/۴۶	۰/۲۹
	مردان عادی	۸۰	۱۳/۸۹	۲/۲۵	۰/۲۴
اضطراب دلبستگی	مردان بی‌وفا	۶۸	۱۳/۱۷	۳/۱۸	۰/۳۸
	مردان عادی	۸۰	۱۳/۰۱	۲/۸۸	۰/۳۱

جدول ۵: آزمون تی مستقل: مقایسه ویژگی‌های شخصیت دو گروه مردان

متغیرها	آزمون تی لوین			آزمون تی برای برابری میانگین		
	F	سطح معناداری	تی	درجه آزادی	سطح معناداری دوسویه	تفاوت میانگین
فرض برابری واریانس‌ها	۱۶/۱۸	۰/۰۰۰۱	۲/۵۴	۱۴۹	۰/۰۱۲	۱/۸۰
			۲/۴۵		*۰/۰۱۶	۱/۸۰
فرض برابری واریانس‌ها	۲۰/۷۸	۰/۰۰۰۱	-۴/۱۱	۱۴۹	***۰/۰۰۰۱	-۲/۰۷
			-۳/۹۱		۰/۰۰۰۱	-۲/۰۷

نتایج حاصل از جدول ۵ نشان می‌دهد:

مردانی که اقدام به بی‌وفایی و خیانت کرده‌اند، روان‌رنجوری بالاتری نسبت به مردان عادی نشان می‌دهند. این تفاوت در سطح $P < ۰/۰۵$ معنادار است. میزان وجدان‌گرایی مردان عادی بالاتر از مردان بی‌وفا است. این تفاوت در سطح $P < ۰/۰۰۰۱$ معنادار است. فرضیه میزان ایمنی، اضطراب، اجتناب دلبستگی در مردان بی‌وفا نسبت به مردان عادی متفاوت است. به منظور بررسی این فرضیه از آزمون تی مستقل استفاده شد.

جدول ۶: آزمون تی مستقل: مقایسه سبک‌های دلبستگی دو گروه مردان

متغیرها	آزمون تی لوین			آزمون تی برای برابری میانگین		
	F	سطح معناداری	تی	درجه آزادی	سطح معناداری دوسویه	تفاوت میانگین
فرض برابری واریانس‌ها	۲/۲۴	۰/۱۳	-۵/۲۹	۱۴۹	***۰/۰۰۰۱	۲/۲۴
دلبستگی			۵/۲۵		۰/۰۰۰۱	
فرض برابری واریانس‌ها	۰/۸۵	۰/۳۶	-۲/۰۳	۱۴۹	*۰/۰۴۸	۱/۴۷-
دلبستگی			-۲/۰۷		۰/۰۴۴	۱/۴۷-

نتایج حاصل از جدول ۶ نشان می‌دهد:

میزان اضطراب و وابستگی دلبستگی در میان مردان عادی بالاتر از مردان بی‌وفا است. این تفاوت در سطح $P < /0001$ معنادار است. میزان اجتناب دلبستگی در میان مردان بی‌وفا نسبت به مردان عادی بیشتر است. این تفاوت در سطح $P < /005$ معنادار است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف مقایسه ویژگی‌های شخصیت و سبک دلبستگی همسران خیانت دیده، همسران بی‌وفا و همسران عادی انجام شده است. نتایج نشان داد ویژگی‌های شخصیت و سبک دلبستگی زوجین در شکل‌گیری روابط فرازناشویی تأثیرگذار است. فرضیه متفاوت بودن میزان روان رنجوری در مردان عادی و مردان بی‌وفا تأیید می‌شود، میزان روان رنجوری در مردان بی‌وفا بیشتر از مردان عادی است. نتایج کار فلدمن و کافمن، (۱۹۹۹) دیجسترا و باردیس، (۲۰۰۸) اسمیت و همکاران، (۲۰۰۹) نیز همسو با نتایج پژوهش حاضر است. افراد روان رنجور مشکلات زیادی در روابط بین فردی دارند و در ارتباط و زندگی جنسی خود کمتر خشنود و رضایت‌مند هستند، میزان رضایت و تعهد آن‌ها عموماً پایین است، آن‌ها آمادگی کمی در حفظ ارتباط عاشقانه با همسر خود دارند. و در پی برآورده ساختن انتظارات همسرشان نیستند، در نتیجه هم‌خوانی اندکی بین خواسته‌های آن‌ها و خواسته‌های همسرشان وجود دارد. این افراد احساس عدم امنیت می‌کنند و احتمال بیشتری وجود دارد که به صورت تکانشی رفتار کنند. آن‌ها، به احتمال بیشتری به روابط کوتاه مدت‌تر اقدام می‌کنند. بنابراین، مستعد جستجوی لذت جنسی و هیجان‌ات مثبت جنسی در روابط فرازناشویی هستند. نتایج پژوهش نشان داده است که میزان روان رنجوری در زنانی که به دلیل خیانت همسرشان به دادگاه مراجعه کرده‌اند بیشتر از زنان عادی است. نتایج حاصل از پژوهش، بارتا و کین^۱، اسلاچر و وازیر^۲، (۲۰۰۵)، همسو با نتایج پژوهش حاضر است. از آنجایی که همسران روان-رنجور، سازگاری پائین، حسادت و اضطراب بالا نشان می‌دهند، معمولاً در روابط بین فردی و زندگی زناشویی چندان مورد پذیرش دیگران واقع

-
1. Barta & Kiene
 2. Slatcher & Vazire

نمی‌شوند، آن‌ها به سرمایه‌گذاری عاطفی مناسب در زندگی زناشویی خود قادر نیستند. بنابراین، طرف مقابل احساس عدم ارضای نیازها و ناکامی بیشتری در زندگی زناشویی می‌کند. در نهایت تعهدات و پایبندی به روابط منحصر به همسر از سوی طرف مقابل کاهش می‌یابد. با توجه به آنچه مطرح شد، می‌توان نتیجه گرفت که نوروتیسم یکی از زوجین، می‌تواند پیش‌بینی خیانت از سوی طرف مقابل باشد.

نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهند که میزان وجدان‌گرایی در مردان بی‌وفا نسبت به مردان عادی کمتر است. این نتایج همسو با نتایج پژوهش هندریک و هندریک، (۱۹۸۷)؛ گلاس و رایت، (۱۹۸۸)؛ بارتا و کین، (۲۰۰۵)؛ شاکلفورد و همکاران، (۲۰۰۸) است که نتیجه گرفته‌اند، اشخاص بی‌وفا نمره وجدان‌گرایی و قابلیت اعتماد کمتری کسب می‌کنند. فردی که وظیفه‌شناس و وجدان‌گرا است، به احتمال بیشتری، حتی در صورت تعارضات زناشویی در رابطه می‌ماند و در برابر وسوسه‌های محیط مقاومت می‌کند، در نتیجه این افراد به احتمال کمتری اقدام به خیانت می‌کنند، در حالیکه افراد با میزان وجدان‌گرایی کمتر در برابر وسوسه‌های محیطی، مقاومت کمتری نشان می‌دهند و به صورت تکانه‌ای رفتار می‌کنند، این افراد به احتمال بیشتری در زمانی که موقعیت برای اقدام جنسی مناسب است، نسبت به افرادی که کنترل تکانه بیشتری دارند، اقدام به خیانت می‌کنند. افراد تکانه‌ای، سائق جنسی بیشتری دارند که منجر به جستجوی روابط فرازناشویی بیشتری برای آن‌ها می‌شود. میزان وجدان‌گرایی در بین سه گروه زنان تفاوت معناداری نشان می‌دهد، به طوری که زنان ارجاعی به مراکز مشاوره تفاوت معناداری نسبت به زنان عادی در میزان وجدان‌گرایی نشان می‌دهند. این نتیجه همسو با نتایج شاکلفورد و همکاران (۲۰۰۸) اشمیت، (۲۰۰۴) بارتا و کین، (۲۰۰۵)، دیک و باریدس، (۲۰۰۸) احدی، (۱۳۸۷) است. افراد وجدان‌گرا به احتمال بیشتری در صورت نارضایتی زناشویی در رابطه باقی می‌مانند. این افراد به احتمال زیاد در مقابل خیانت همسرشان حسادت آشکاری نشان می‌دهند، زیرا آن‌ها به احتمال کمتری در روابط بین فردی اقدام به خیانت و فریب کاری می‌کنند. آن‌ها نسبت به این اقدام همسرشان برون‌ریزی هیجانی نشان می‌دهند. بنابراین، شیوه‌های حسادت منفعلانه و خصومت و کینه‌توزی، اجتناب و امتناع از رویارویی با همسر، عدم بحث و گفتگو و کناره‌گیری‌های مغرضانه در میان این افراد کمتر دیده می‌شود. با تجربه خیانت از سوی همسرشان، سعی می‌کنند با روش‌هایی مانند مراجعه به

مراکز مشاوره یا پایان بخشیدن به رابطه، حل مسأله کنند.

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد، مردان بی‌وفا نسبت به مردان عادی میزان وابستگی و اضطراب دلبستگی کمتری نشان می‌دهند. این نتایج همسو با یافته‌های حاصل از پژوهش‌های کوپر^۱، (۲۰۰۶)؛ میشل، (۲۰۰۰)؛ نولتی و برینمن، (۲۰۰۸)؛ پلات و همکاران، (۲۰۰۸) و مک مورن، (۲۰۰۹) است که نتیجه گرفته‌اند، دلبسته اجتنابی به احتمال بیشتری نسبت به سایر سبک‌های دلبستگی به‌طور عملی اقدام به خیانت می‌کند، زیرا آن‌ها ارتباطات بین فردی مختل دارند. این افراد به ندرت وابستگی و ترس از طرد شدن در روابط بین فردی نشان می‌دهند، ارزش و بهایی برای ارتباط با دیگران (از جمله همسر) قائل نیستند و دلیلی برای ارتباط‌های احساسی نمی‌بینند، از دید آن‌ها برقراری ارتباط عاطفی با دیگران غیر ضروری است. سرمایه‌های هیجانی اندک و دلبستگی ناایمن دوری جو، روابط زناشویی کوتاه مدت را پیش‌بینی می‌کند.

میزان اضطراب و وابستگی دلبستگی در بین گروه‌های زنان تفاوت معناداری نشان می‌دهد. اضطراب و وابستگی دلبستگی در میان زنان مراکز مشاوره از زنان دادگاه بالاتر است. این نتیجه با نتایج به دست آمده از پژوهش دونووان، (۲۰۱۰) کولینز و رید، (۱۹۹۰) جانسون، (۱۹۷۰) همسو است. افراد اضطرابی، میل بیشتری به بازسازی ارتباط دارند. این افراد در روابط بین فردی، ترس از طرد شدن دارند، که حتی در صورت عدم رضایت از رابطه کنونی، به ادامه روابط منجر می‌شود. خود ارزشمندی این افراد وابسته به همسر و ارتباط با همسرشان است. بنابراین، با اطلاع از خیانت همسر به احتمال بیشتری سعی در بازسازی رابطه (مراجعه به مراکز مشاوره) می‌کنند. در حالی که افراد با سبک دلبستگی اجتنابی (زنان مراجعه کننده به دادگاه) نسبت به خیانت همسر واکنش اجتنابی نشان می‌دهند. افراد اجتنابی معمولاً بی‌اعتنا، سرد و بی‌عاطفه هستند، ارزش و بهایی برای ارتباط با دیگران قائل نیستند. چنین افرادی در روابط بین فردی رضایت‌مندی پائینی را تجربه می‌کنند و حداقل سرمایه‌گذاری عاطفی را نسبت به همسر نشان می‌دهند، به همین دلیل پدیده‌ای مانند خیانت در این افراد واکنش‌هایی مانند فاصله‌گیری ارادی، انکار، اجتناب، مراجعه به دادگاه و خاتمه بخشیدن به روابط زناشویی را در پی دارد.

خیانت به همسر پدیده‌ی چند بعدی و بسیار پیچیده است، که با مدل‌های خطی قابل فهم نیست. هرچند پژوهش کنونی سعی کرده است تا زوایای خاص شخصیتی و دلبستگی افرادی را بررسی کند که به نوعی با این پدیده مواجه می‌شوند، اما هنوز نقاط تاریک زیادی وجود دارد که نیاز به بررسی همه جانبه دارد.

با توجه به اینکه خیانت به عنوان یکی از تابوهای جامعه ما تلقی می‌شود، پژوهش در این زمینه با مشکلات خاصی همراه است. سطح افشاگری پائین از سوی کسانی که تجربه خیانت همسر داشته‌اند و کسانی که خود اقدام به خیانت کرده‌اند، به دلیل ترس از افشای اسرار زندگی شخصی شان و نتایج متعاقب آن، به همکاری ضعیف گروه نمونه مورد نظر منجر می‌شود. از طرفی همکاری ضعیف از سوی مراجع قضایی و سایر سازمان‌های مرتبط به مشکلات فراوان، به‌ویژه در زمینه گردآوری اطلاعات منجر می‌شود.

انجام دادن پژوهش در حوزه سبب شناسی و مداخله این پدیده به‌منظور پیشگیری و مداخلات مؤثر برای کاهش آسیب‌های وارده شده به خانواده‌های مبتلا به این معضل ضروری است. بررسی باورها و برداشت کودکان از خیانت والدین و در نهایت مشکلات، آسیب‌ها و وضعیت سلامت روان چنین فرزندان، می‌تواند در آگاه سازی افکار عمومی نسبت به نتایج چنین پدیده‌ای نقش مؤثری داشته باشد. به دلیل شیوع انواع مختلف خیانت مانند خیانت‌های آن لاین، اس ام اس‌های عاشقانه، هرزه نگاری، که به‌عنوان سبک‌های جدیدتر این پدیده محسوب می‌شوند، اجرای پژوهش‌های گسترده در این زمینه ضروری است. همچنین بررسی انواع مختلف پدیده خیانت (جنسی، عاطفی، جنسی - عاطفی) و رابطه آن با سبک شخصیت به روشن سازی ابعاد مختلف این قضیه کمک فراوانی می‌کند.

منابع

- ای برک، لورا (۱۳۸۸). *روان‌شناسی رشد* (جلد ۱)، ترجمه یحیی سید محمد، تهران، ارسباران.
- خوشخرام، نجمه و گلزاری، محمود (۱۳۹۰). اثربخشی آموزشی افزایش عاطفه مثبت بر میزان رضایت زناشویی و سبک دلبستگی در دانشجویان متأهل، *مطالعات روان‌شناختی دانشگاه الزهراء*، دوره ۷، شماره ۳.
- گلدنبرگ، ایرنه و گلدنبرگ، هربرت (۱۳۸۹). *خانواده درمانی*، ترجمه سید محمدی، تهران، روان.
- Ashton, Perry, Lee. (2007)**, Big Five and HEXACO model personality correlates of sexuality, *Department of Psychology, University of Calgary*.
- Baucom. K; Coop Gordon.D.H, & Snyder D.k. (2005)**, Treating Couples Recovering From Infidelity: An Integrative Approach, Published online in Wiley InterScience, *Journal of marital&family therapy*, 30(2): 213-231.
- Bourdage.J; Lee.K, Ashton.M, & Perry.A. (2007)**.Big Five and HEXACO model personality correlates of sexuality, *Journal of Personality and Individual Differences*, 43 (2007) 1506–1516, Department of Psychology, University of Calgary.
- Buss , D. M & Shackelford.T.K. (1997)**, Susceptibility to Infidelity in the First Year of Marriage. *Journal of research in personality* , 31, 193–221.
- Dijkstra.P. & Barelds.D.P.H. (2008)**, Self and partner personality and responses to relationship threats, *Journal of Research in Personality* ,42(2008)1500–1511.
- Donavan.S. (2010)**, *Attachment Theory as a Predictor of Communicative Responses to Infidelity*, University of Nevada, Las Vegas.
- Egan.V & Angus.S. (2004)**, Is social dominance a sex-specific strategy for infidelity *Journal of Personality and Individual Differences*,36 (2004)575–586.
- Feldman, S. S. & Cauffman, E. (1999)**. Sexual betrayal among late adolescents: perspectives of the perpetrator and the aggrieved. *Journal of Youth and Adolescence*, 28, 235–258.
- Glass, S. P. & Wright, T. L. (1988)**. Clinical implications of research on extramarital involvement, *Treatment of sexual problems in individual and couples therapy* (pp. 301-346). New York: PMA.
- Hendrick, C. & Hendrick, S. (1986)**. A theory and method of love. *Journal of Personality and Social Psychology*, 50, 392–402.

- Johnson, R. E. (1970).** Extramarital sexual intercourse: A methodological note. *Journal of Marriage and the Family*, 32, 249–255.
- Katzander. N. (2009),** Attachment Style, Narcissism, Gender, and Attitudes toward Pornography: How Priming Betrayal Trauma Affects these Attitudes, *Institute of Advanced Psychological Studies Adelphi University*.
- Mark.p.k;Janssen.E & Milhausen.R. (2011),** Infidelity in Heterosexual Couples: Demographic, Interpersonal and Personality - Related Predictors of Extradyadic ,*Sex Center for Sexual Health Promotion, Arch sex behave*, 40(5): 971-82.
- McAnulty.R.D & Brineman.J.M. (2008).** Infidelity in Dating Relationships, *Annual Review of sex research* , 18: ,4-114.
- Mitchell & Lucinda. (2000).** Attachment to the Missing Object: Infidelity and Obsessive Love. *Journal of applied psychoanalytic studies*, Volume 2, Number 4, 383-395(13).
- Plaat. R. L; nalbone. D. p; Casanova. G. & Wetchler.J.L. (2008).** Parental Conflict and Infidelity as Predictors of Adult Children’s Attachment Style and Infidelity, *The American Journal of Family Therapy*. 36: 149–161.
- Schmitt, D. P; Alcalay, L; Allik, J; Angleitner, A; Ault, L; Austers, I. (2004).** Patterns and universals of mate poaching across 53 nations: The effects of sex, culture, and personality on romantically attracting another person’s partner.*Journal of Personality and Social Psychology*, 86, 560–584.
- Schmitt.D.P; Youn.J; Bond.B; Brooks. S; Frye.H; Johnson.S; Klesman. J; Peplinski.K; Sampias. J; Sherrill. M & Stoka.C. (2009).** When will I feel love?, The effects of culture, personality, and gender on the psychological tendency to love, *Journal of Research in Personality* ,43 (2009) 830–846.
- Shackelford.K; Besser.A. & Goetz.A.T. (2008).** Personality, Marital Satisfaction, and Probability of Marital Infidelity, *Journal of Individual Differences Research* ,Vol. 6, No.1, pp. 13-25.
- Slatcher. R.B. & Vazire.S. (2009).** Effects of globals and Contextualized personality on relation satisfaction, *Journal of Research in Personality*, 43, 624-633.

